

شناسایی و پیشگیری زود هنگام مشکلات خواندن

نوشته‌ی هنکل لای تینین^۱ و جین ارسکین^۲

ترجمه: عبادا... حسن پور هشتایجانی / عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

نرگس علی نژاد مکاری / کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

چکیده:

کودک قادر بود به این مهارت‌ها دست یابد.

برای تعداد زیادی از کودکان فراگیری خواندن و نوشتن (هجی کردن) به عنوان چالشی بزرگ مطرح است. پیامدها و میزان تأخیر فراگیری خواندن و نوشتن با توجه به ماهیت سامانه‌ی نوشتاری خط^۳ متفاوت است. در زبان‌هایی که از قاعده‌مندی بالایی برخوردارند مثل زبان فنلاندی^۴ تقریباً ۶ درصدی کودکان در فراگیری خواندن و نوشتن دارای مشکلاتی هستند، در حالی که ۳ درصد از آنها دارای چنان مشکلات شدیدی هستند که ممکن است این مسأله منجر به خواندن بسیار کند آنها شود؛ به نحوی که ادراک و فهم رضایت بخش متن خوانده شده برای آنها سخت و وقت‌گیر باشد. مشکلات بیشتر این دسته از کودکان دارای پیشینه‌ی خانوادگی (ژنتیکی) است. در مقابل در بین دانش‌آموزانی که مهارت‌های خواندن را در سامانه‌های زبانی که کمتر ماهیت منظم خطی دارند- مثل زبان انگلیسی - می‌آموزند، نسبت یادگیرندگان خودانگیخته کمتر است و تعداد افرادی که خواندن را همراه با تأخیر یاد می‌گیرند نسبتاً زیاد است. بیش از ۱۰ درصد کودکان انگلیسی زبان در نیل به دقت و روانی خواندن و نوشتن به صورت رضایت بخش با مشکلاتی مواجه هستند.

با توجه به ضرورت آموزش پیشگیرانه می‌توان این-

تعدادی از کودکان در فراگیری خواندن و نوشتن با مشکلاتی مواجه هستند و پیامدها و میزان تأخیر آنها با توجه به ماهیت سامانه نوشتاری خط متفاوت است. در زبان‌هایی که سامانه نوشتاری آنها قاعده‌مند است، تعداد دانش‌آموزان دارای مشکل کمتر و در زبان‌هایی که ماهیت منظم خطی کمتر است، تعداد دانش‌آموزان دارای مشکل بیشتر است.

در این مقاله پژوهش‌های مرتبط با فراگیری مهارت خواندن و مشکلات خواندن با توجه به سامانه نوشتاری زبان‌ها بویژه زبان فنلاندی مورد بررسی قرار گرفته و روی موضوع شناسایی و پیشگیری زود هنگام تأکید دارد و در این زمینه، پیشینه خانوادگی و رشد مهارت‌های فراگیری خواندن را مهم و اساسی می‌داند.

مقدمه:

چنانچه مشکلات خواندن و نوشتن درمان نگردد به فراگیری دانش لطمه زده و تکرار تجربه شکست را به کودک تحمیل می‌کند و ممکن است به طور کلی باعث کاهش سطح انگیزش یادگیری گردد. چنین پیامدهایی می‌تواند اثرات بلند مدتی بر وضعیت تحصیلی، کسب مهارت‌ها و در نهایت وضعیت شغلی فرد داشته باشد که اگر این مشکلات وجود نداشت

دیگری میزان خطرپذیری این افراد چهار تا پنج برابر بیشتر از نمونه‌ی تصادفی افراد عادی بود. در ادامه‌ی تکرار و تکمیل یافته‌های پیشین انتشار یافته توسط اسکار بودک^۶ (۱۹۹۰) مطالعه‌ی طولی نارساخوانی جیواسکی^۷ روی ۱۰۰ کودک که از نظر خانوادگی در معرض خطر نارساخوانی قرار داشت (و آنها را با افراد گروه کنترل که در معرض خطر نارساخوانی قرار نداشتند هم‌تا کرد) از تولد تا سن مدرسه نشان داد ۴۰ درصد کودکان دارای پیشینه‌ی خانوادگی با مشکلاتی در فراگیری مهارت‌های خواندن مواجه می‌شوند که ۲۰ درصد آنها دارای مشکلات بسیار شدیدی در خواندن بودند. فراوانی مشکلات خواندن در گروه کنترل در مقایسه با ۲۰ درصدی که مشکلات بسیار شدیدی داشتند و با توجه به فقدان مشکل در پیشینه‌ی خانوادگی فقط ۲ درصد بود. بنابراین، روشن است که بیشترین مشکلات خواندن در بین کودکانی رخ می‌دهد که در پیشینه‌ی خانوادگی آنها نارساخوانی وجود داشته باشد.

گرچه چندین مسیر رشدی منجر به نارساخوانی می‌شوند، اما در نهایت فصل مشترک آنها به خطر افتادن مهارت خواندن است که از اولین گام‌های فراگیری خواندن مثل یادگیری نام حروف شروع می‌شود. در رابطه با پیشگیری و قطع نظر از علت‌شناسی تمامی مشکلاتی که با خواندن همراه می‌شود، زمانی که صرف آموزش و تقویت فرایندهای اساسی خواندن می‌شود، احتمالاً بیشترین ضامن کسب موفقیت در رابطه با مهارت خواندن است.

سؤالات کلیدی پژوهش

زبان فنلاندی یکی از قاعده‌مندترین سامانه‌های

گونه کودکان را با استفاده از دو منبع اطلاعاتی به موقع مورد شناسایی و تشخیص قرار داد:

الف) تاریخچه والدین و سایر بستگان نزدیک مثل خواهران و برادران فرد، در ارتباط با خواندن (پیشینه خانوادگی)

ب) رشد مهارت‌هایی که می‌تواند فراگیری خواندن را پیش‌بینی کنند.

داده‌های پژوهشی در مورد زبان فنلاندی که گزارش حاضر نیز بر آنها مبتنی است، نشان داده که حتی نشانه‌های اولیه نیز ممکن است قابل پیش‌بینی باشند.

چنانچه مشکلات خواندن و نوشتن

درمان نگردد به فراگیری دانش لطمه زده و تکرار تجربه شکست را به کودک تحمیل می‌کند و ممکن است به طور کلی باعث کاهش سطح انگیزش یادگیری گردد

دو مطلب مهم عبارت‌اند از این که چگونه این دسته از افرادی را تا آن جا که امکان دارد به موقع و زودهنگام تشخیص داد، دیگر آنکه ماهیت واقعی پیشگیری چیست؟

فقط حجم اندکی از پژوهش‌های مرتبط با خواندن روی موضوع شناسایی و پیشگیری زودهنگام متمرکز شده‌اند. مطالعاتی که اطلاعاتی را در مورد شناسایی زودهنگام ارائه کرده‌اند، همواره شاخص‌های پیش‌بینی کننده‌ی مهمی را گزارش کرده‌اند. در این خصوص اطلاعات مربوط به پیشینه‌ی خانوادگی برجسته است. گیلکر و همکاران^۵ (۱۹۹۱) برآورد کرده‌اند کودکی که دارای والدین نارساخوان است ۸۰ برابر جمعیت عادی احتمال دارد که مبتلا به نارساخوانی گردد. در پژوهش

موارد مثبت کاذب ممکن است در حالی که هیچ گونه آموزش پیشگیرانه در این زمینه وجود نداشته باشد مشاهده شود. در برخی موارد مشکل فقط در زمینه یادگیری تداعی حرف - صدا قابل مشاهده است. این مسأله تعجبی ندارد زیرا تأیید شده که اثرات گنجاندن آموزش حروف در برنامه‌های آموزش واج‌شناسی افزایشی است. بنابراین، ارزیابی پویای صداهای حروف از ۴ سالگی مناسب‌ترین ابزار علامتی برای شناسایی زود هنگام است زیرا به نظر می‌رسد که مشکل یادگیری صدای حروف - قطع نظر از علل رشدی که شکست در خواندن را جلو می‌اندازد- نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد.

گرچه چندین مسیر رشدی منجر به نارساخوانی می‌شوند، اما در نهایت فصل مشترک آنها به خطر افتادن مهارت خواندن است که از اولین گام‌های فراگیری خواندن مثل یادگیری نام حروف شروع می‌شود

تمامی موارد فوق سرخ‌هایی را برای تدوین بهترین راهبردهای پیشگیری فراهم می‌آورد. با وجود این، یادگیری تداعی حروف - صدا باید به نحوی سازماندهی شود که کودک از یادگیری آن لذت برده و به تمرینات ادامه دهد تا این که اهداف مورد نظر تحقق یابد. در زبان فنلاندی هدف به طور ساده عبارت است از یادگیری ۲۳ پیوند بین حروف و صداهای آنها. این وضعیت در مورد زبان‌هایی که نظم خطی کمتری دارند (مثل زبان انگلیسی) پیچیده‌تر است و این مسأله چالش بزرگی را پیش‌روی این افراد جهت یادگیری تداعی و برقراری ارتباط بین واحدهای زبان نوشته شده و گفته شده قرار می‌دهد. با وجود این،

نوشتاری است؛ در این زبان فقط ۲۳ حرف وجود دارد و همیشه هر حرف با یک صدا و بالعکس نشان داده می‌شود، بنابراین فشار یادگیری در این زبان به حداقل می‌رسد، در نتیجه مشکلات خواندن کودکان در زبان فنلاندی بیشتر به صورت وجود مشکلاتی در ذخیره-سازی (اندوزش) و بازیابی خودکار و روان تعداد محدودی از تداعی‌های حروف و صداهاست. این مشکل ممکن است در کودکانی که هوشبهر متوسط و بالاتر نیز دارند و حتی در کمال تعجب گاهی اوقات در کودکانی که از رشد زبانی مناسبی نیز برخوردارند مشاهده شود. این مسأله چالشی است برای تشخیص زود هنگام کودکانی که دارای چنین مشکلات آشکاری در خواندن هستند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش مطالعه‌ی طولی جیواسکی‌لا حاکی از آن است که پردازش و ادراک اندازه‌گیری شده در دوره‌ی شیرخواری و تأخیر زبان بیانی و تا حدی تأخیر زبان در دوره نوپایی می‌توانند، کودکانی که در سال‌های بعد دچار مشکلات خواندن می‌شوند را از کودکانی که از نظر خانوادگی در معرض نارساخوانی قرار ندارند، متمایز کنند.

از ۳ سالگی به بعد متغیر پیش بینی کننده سنجش مهارت‌های آوا شناختی^۱ را نیز در بر می‌گیرد. با وجود این، نشانه‌ای که به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان یک متغیر پیش بینی کننده قابل اعتماد مطرح است شناخت و آگاهی حروف از ۳ سالگی به بعد است. وقتی این مسأله در ۵ سالگی و بالاتر با نام‌گذاری سریع ترکیب شود، کسب نمرات پایین در این شاخص‌ها به نظر می‌رسد که پیش‌بینی درستی از شکست در خواندن باشد و فقط معدودی از

نتیجه گیری

به کودکانی که احتمال زیادی دارد دچار مشکلاتی در فراگیری مهارت خواندن پایه گردند باید تا آنجا که مقدور است خیلی زود کمک نمود. آن دسته از کودکان را که نیاز به انجام تمرین‌های پیشگیرانه دارند، می‌توان با روش‌های ساده‌ای مثل فراگیری تداوی حرف، صدا (که مهارت اصلی و مرکزی برای خواندن است) شناسایی کرد و این کار را می‌توان خیلی زود پیش از آنکه کودک در مدرسه با تجربه‌ی شکست در خواندن مواجه شود انجام داد. شکست در خواندن ممکن است اثرات زبان‌بخشی برانگیزش یادگیری کودک داشته باشد. این گونه تمرینات را باید در قالب بازی و از ۵ تا ۶ سالگی انجام داد.

فقط حجم اندکی از پژوهش‌های مرتبط با خواندن روی موضوع شناسایی و پیشگیری زود هنگام متمرکز شده‌اند. مطالعاتی که اطلاعاتی را در مورد شناسایی زود هنگام ارائه کرده‌اند، همواره شاخص‌های پیش‌بینی کننده‌ی مهمی را گزارش کرده‌اند

تمامی کودکان به ویژه آنهایی که دارای پیشینه‌ی خانوادگی خطر شکست در خواندن هستند را با توجه به رشد زبانی باید از ۲ سالگی مورد توجه و بررسی قرار داد. چنانچه در این مرحله تأخیری مشاهده نشد، مرحله‌ی بعدی تشخیص ۴ سالگی است، زمانی که فراگیری خود به خودی آگاهی حروف شواهد خوبی را فراهم می‌آورد که آیا نیاز به انجام تمرین‌های پیشگیرانه وجود دارد یا نه؟ چنانچه هیچ‌کدام یا تعداد محدودی (یکی از پنج تا) از حروف برای کودک آشنا بود، انجام بازی مختصر و کوتاهی جهت یادگیری اسم برخی

معتقدیم که استفاده از یک رویکرد آموزشی پیشگیرانه - که از اصول ثابتی پیروی کرده و یادگیری تداوی‌های رایج و غالب را در مراحل آغازین تسهیل می‌کند- به عنوان بهترین شیوه‌ی آموزشی پیشگیرانه خواندن در زبان‌های الفبایی - صرف نظر از پیچیدگی‌های نوشتاری و الفبایی آنها - مطرح است. این نوع ابزارهای پیشگیرانه که ما طراحی کرده ایم مبتنی بر یک بازی رایانه‌ای است که متضمن موفقیت کودکان است. بنابراین، تحریک و برانگیختن کودکان برای ادامه‌ی تمرین به مدت طولانی جهت نیل به اهداف یادگیری روابط بین حروف و صداها کافی است. لیتینین و همکاران^۹ نتیجه گرفتند که نیل به موفقیت (تسهیل آگاهی حرف، به‌ویژه در آن دسته از کودکانی که دارای مهارت‌های پیش از خواندن اولیه ضعیفی هستند) با استفاده از این روش در مراحل آغازین فراگیری خواندن در زبان فنلاندی امکان پذیر است. در هر حال باید خاطر نشان کرد که این یافته‌ها بر بازی در یک دوره زمانی کوتاه مدت مبتنی است و گرچه تفاوت‌های زیادی در رابطه با هدف انتهایی بین گروه‌های مداخله و کنترل مشاهده نگردید اما گروه مداخله آشکارا عقب‌تر از نقطه‌ی آغاز و شروع بود و مجبور بود که بیشتر ادامه دهد و بنابراین، در چارچوب جبران عدم تعادل رشد خواندن و جلوگیری از ادراک بالقوه‌ی کودک از شکست نسبت به همسالان خود به هدف می‌رسید. همچنین یافته‌های اولیه در مورد زبان انگلیسی نیز امیدبخش هستند. انتقادهای زیاد از برنامه‌های ترمیمی در رابطه با مقرون به صرفه بودن از نظر اجرا و نیروی انسانی مطرح شده است. سادگی و سهولت، سازگار بودن با کودک و کودک مداری محیط بازی رایانه‌ای اقتصادی بودن موارد بالا را تضمین می‌کند.

حروف می‌تواند نقش تحریک کننده‌ای داشته باشد. خود فعالیت خواندن است و مهمترین مسأله نیز این است که چگونه تمایل و علاقه‌ی کودک را نسبت به خواندن حفظ کرد. نتایج مربوط به مطالعه‌ی طولی نارساخوانی جیواسکی‌لا و همچنین داده‌های مربوط به پژوهش‌هایی که در ایالات متحده صورت گرفته حاکی از آن است که تقریباً ۲۰ درصد کودکانی که دارای زمینه خانوادگی بوده و در آغاز فراگیری خواندن دارای مشکلات شدیدی بوده اند کاملاً این نقص را جبران کرده‌اند. ویژگی اصلی این دسته از کودکان تمایل و علاقه‌ی پایدارشان نسبت به باسوادی است و این مسأله در طول شغل‌های آموزشی آنها به صورت مستند نشان داده شده است.

اگر در این مرحله از فراگیری مشکلاتی مشاهده شد، ممکن است نیاز باشد که به آرامی توجه کودک به یادگیری‌های مرتبط با خواندن افزایش یابد. تمامی فعالیت‌هایی که به تحول مهارت‌های زبانی کمک می‌کند را باید مغتنم شمرد، اما از ۵ سالگی تمرین‌های منظم بیشتری در قالب بازی دست کم بین ۵ تا ۲۰ دقیقه در هر روز در طی دوره‌ی کودکتان و پایه‌های اول و دوم دبستان باید انجام شود تا از این راه مهارت‌های رشد نیافته به طور رضایت‌بخشی در همان ابتدا شکل گرفته و به کودک کمک کنند از خواندن لذت ببرد. علاوه بر این، بهترین محیط یادگیری بدون شک

زیرنویس ها :

1. Heikkl Lyytinen
2. Jane Erskine
3. Orthography
4. Finnish
5. Gilger et al
6. Scarborough
7. Jyvaskyla
8. Phonological skills
9. Lyytinen et al

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع :

Lyytinen H, Erskine J. (2006) *Early identification and prevention of reading problems*. In: Tremblay RE, Barr RG, Peters (eds). *Encyclopedia on Early Childhood Development* : 1-6 Available at: <http://www.excellence-earlychildhood.ca/documents/Lyytinen-ErskineANGx.pdf>.